مرور

آغاز دیپلماسی در ایران

• کتاب «تاریخ سیاست خارجی ایران» با عنوان فرعی «از صفویه تا پایان پهلوی اول، ۸۷۹ تا ۱۳۲۰ شمسی» نوشته روح‌الله رمضانی به‌تازگی با ترجمه روح‌الله اسلامی و زینب پزشکیان از سوی نشر نی منتشر شده است. روح‌الله رمضانی مؤسس رشته روابط بین‌الملل در ایران بود که در طول شش دهه کار علمی، آثار ارزشمند فراوانی در این حوزه از خود بر جای گذاشت. این پژوهش از اولین تلاش‌ها برای توصیف نظام‌مند و تحلیل انتقادی سیاست خارجی ایران در سال‌های ۸۷۹ تا ۱۳۲۰ شمسی است که در آن به سیاست خارجی قرون شانزدهم، هفدهم و هجدهم در چارچوبی کلی پرداخته می‌شود و ویژگی‌های اصلی نظام سیاسی و سیاست خارجی ایران در این دوران مشخص می‌شود. به قرن حاضر، قرن بیستم و نیم‌قرن پس از آن با جزئیات بیشتری پرداخته می‌شود و مباحث مربوط به این دوره بیشتر شبیه پژوهش یک متخصص علوم سیاسی است تا پژوهش یک تاریخ‌دان. افزون بر این، فقط در همین دوره است که ایران درگیر نقشه قدرت‌های سیاسی اروپایی می‌شود. رمضانی در درآمدی که بر این کتاب نوشته است، می‌گوید: «بر اساس دغدغه تحلیلی‌ام نباید اجازه دهم آرمان بی‌طرفی علمی مرا از بیان داوری انتقادی بازدارد. باور ندارم که بی‌طرفی به معنای خودداری‌کردن از داوری است؛ زیرا چنین خودداری‌کردنی نوعی داوری ارزشی خواهد بود و حتی می‌تواند بر رضایت از وضعیت امور در گذشته یا اکنون دلالت کند. برداشت من از بی‌طرفی مستلزم این است که داوری‌هایم را شواهد در دسترس پشتیبانی کنند و هر زمان که داده‌های کامل‌تر و اعتمادپذیرتر به دست آمد، ابطال‌پذیر باشند. تمام داوری‌ها در این کتاب چنین سرشتی دارند». نویسنده در این اثر، علاوه بر توصیف نظام‌مند و تحلیل انتقادی تاریخ سیاست خارجی ایران، اسناد دست اول و منابع آرشیوی قابل توجهی را بررسی کرده و از آن مهم‌تر، مبنایی نظری را با عنوان «مدل تعامل سه‌جانبه پویا» طرح کرده است. در این کتاب، تلاش نخبگان سیاسی برای ماندگاری کشور و پیگیری منافع ملی ایران از منظری آرمان‌گرایانه در شبکه‌های قدرت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی شده است. رمضانی نخستین پژوهشگر دانشگاهی و صاحب‌سبک در موضوع سیاست خارجی کشورهای درحال‌توسعه با تمرکز بر ایران بود و این کتاب اولین پژوهش علمی در باب سیاست خارجی ایران است. طرح تحلیل نویسنده در این کتاب دربردارنده مؤلفه هنجار بنیاد مکتب رئالیسم سیاسی است؛ یعنی آن سیاست خارجی خردمندانه‌ای را که معطوف به اهداف خوب است، سیاست خارجی خوب می‌داند و این پیش‌فرض بنیادین نهفته در نقد نظام‌مندش به سیاست خارجی ایران است. نویسنده در این پژوهش به کاوش در منابع اصلی و فرعی فارسی و غربی پرداخته است. به گفته نویسنده جدا از دشواری‌ای که به دلیل کمبود کلیه شاخص‌هاست، آثار فارسی همیشه در گزارش واقعیت‌ها، اعداد و تاریخ‌ها بی‌دقتی بزرگی دارند. افزون بر این معمولا تفسیرهای مؤلفان و ویراستاران ایرانی را شواهد پشتیبانی نمی‌کنند. با این حال استفاده محتاطانه از منابع فارسی گریزناپذیر است؛ زیرا اینها منبع اصلی برای شناخت دیدگاه ایرانیان است. به علاوه عادت نویسندگان ایرانی به استفاده از اسناد کمیاب، آثارشان را در این حوزه ارزشمند کرده است. رمضانی مطالعه سیاست خارجی ایران را از روزگار افزایش قدرت‌گیری‌اش در عصر جدید تا کناره‌گیری رضاشاه در سال ۱۳۲۰ شمسی از آن جهت ضروری می‌داند که تاریخ جامعی از سیاست خارجی ایران در این بازه در دست نیست. بخش از دلایل دسترسی‌نداشتن به چنین تاریخی، همان دلایلی هستند که درباره سیاست خارجی سایر کشورهای درحال‌توسعه نیز وجود دارد. نویسندگان ایرانی مشکلات جامعه‌شان را تا حد زیادی به دخالت‌ها و قدرت‌های خارجی به‌ویژه به دخالت بریتانیا نسبت می‌دادند. از سوی دیگر، پژوهشگران غربی نیز به رقابت قدرت‌های بزرگ در در ایران توجه کرده‌اند و سیاست خارجی ایران در مطالعات آنان جنبه فرعی دارد. البته هدف محققان این پژوهش‌ها، انجام پژوهش نظام‌مند و جامع درباره سیاست خارجی ایران نبوده است. دغدغه تحلیلی نویسنده در این کتاب از علاقه کلی به حوزه سیاست خارجی مقایسه‌ای سرچشمه می‌گیرد و به صورت جزئی‌تر در علاقه به سیاست خارجی کشورهای درحال‌توسعه ریشه دارد و بر اساس این علاقه تاریخ سیاست ایران در کنار تحلیل آن به‌عنوان نمونه‌ای از سیاست خارجی کشورهای درحال‌توسعه در نظر گرفته می‌شود. این کار وظیفه‌ای دشوار و نیازمند به به‌کارگیری برخی مفاهیم سامان‌دهنده آن است که بتوانند اهمیت مضاعف سیاست خارجی ایران را نشان دهند. به زعم نویسنده، در این پژوهش که سیاست خارجی یک کشور درحال‌توسعه را بررسی می‌کند، اتخاذ هیچ‌یک از روش‌های موجود سیاست خارجی ممکن نبوده است. بیشتر مفاهیم و مقوله‌های به‌کاررفته در این پژوهش، با این امید مطرح و بررسی شده که برای مطالعه سیاست خارجی دیگر کشورهای درحال‌توسعه راهگشا باشد.

تاریخ سیاست خارجی ایران
روح‌الله رمضانی
ترجمه: روح‌الله اسلامی و زینب پزشکیان
ناشر: نی

به مناسبت یکصدوچهارمین سالگرد تأسیس فرقه عدالت ایران در ۵ خرداد ۱۲۹۶

یک قرن فراز و فرود عدالت در ایران

خسرو باقری

پیدایش جنبش کارگری و سوسیال‌دموکراسی در ایران، با خیزش‌های انقلاب مشروطیت هم‌زمان بود و در روند مبارزات و پیروزی‌های این انقلاب نقشی شایان توجه ایفا کرد. گرچه سازمان سوسیال‌دموکرات ایران که بعدها به اجتماعیون-عامیون (۱۲۸۳) ترجمه شد، گروه همت (۱۲۸۳)، سازمان سوسیال‌دموکرات تبریز (۱۲۸۵) سازمان سوسیال‌دمکرات تهران (۱۲۸۶)، سازمان سوسیال‌دمکرات رشت (۱۹۰۸/۱۲۸۷) و... بخشی از تاریخ سوسیال‌دمکراسی ایران را تشکیل می‌دهند، اما این جنبش در شکل سازمان‌یافته، با برنامه و اساسنامه منسجم و آرمان سوسیالیستی، نخستین‌بار در سیمای فرقه عدالت ایران تجلی یافت. در واقع فرقه عدالت ایران را باید اولین حزب کارگری ایران نامید.

زمینه‌های عینی و ذهنی

از میانه‌های سده ۱۹ میلادی، در پیامد بحران اقتصادی، روستاییان و پیشه‌وران تهیدست، به صورت فردی یا دسته‌جمعی، به مناطق مهاجرپذیر، به‌ویژه قفقاز مهاجرت می‌کردند. در سال‌های جنگ جهانی اول (۱۲۹۳-۱۲۹۷)، بازهم بر شمار مهاجران ایرانی افزوده شد؛ به‌گونه‌ای که در برخی از صنایع و معادن منطقه قفقاز، در ترکیب قومیتی کارگران، اکثریت با کارگران ایرانی بود. به‌عنوان نمونه در سال ۱۲۹۴، در بین کارگران چندملیتی صنعت نفت در باکو، کارگران ایران با ۱۳هزارو ۵۰۰ نفر (۲۹.۱ درصد کل کارگران) و در صنایع مس کدابیک در گنجه با ۲۷.۵ درصد کل کارگران، در اکثریت بودند. طبق برآورد دولت ایران، در ابتدای سال ۱۲۹۸، از جمعیت ایرانیان ساکن قفقاز، بیش از صد هزار نفر کارگر بودند. این نیروی بزرگ کارگری، زمینه عینی تشکیل فرقه عدالت بود، اما زمینه ذهنی شکل‌گیری فرقه به فعالیت‌های حزب سوسیال‌دموکرات روسیه در میان کارگران ایرانی بازمی‌گشت. بخش مهمی از کارگران ایرانی که وادار به مهاجرت شده بودند، طعمه خوبی برای کارفرمایان قفقازی بودند تا هم از آنان استثمار بی‌رحمانه‌تری صورت بگیرد (ازجمله ۱۵ تا ۱۸ ساعت کار در برابر دستمزدی کمتر از کارگران سایر ملیت‌ها) و هم آنکه از آنان برای شکستن مقاومت کارگران اعتصابی متشکل در سندیکاها (به‌ویژه کارگران روس، ارمنی و گرجی) بهره‌برداری شود. با آنکه کمیته باکوی حزب سوسیال‌دموکرات روسیه برای مقابله با این وضعیت، کار در میان کارگران ایرانی را رأسا و از طریق گروه همت از سال ۱۲۸۱ آغاز کرده بود، اما تا سال ۱۲۹۵، به دلایل گوناگون (از جمله شکست انقلاب ۱۹۰۵، مخفی‌شدن حزب سوسیال‌دموکرات روسیه و گروه همت)، موفقیت درخور توجهی در این زمینه به دست نیامده بود. در این سال کمیته باکوی حزب سوسیال‌دموکرات روسیه، به اعضای ایرانی خود به رهبری بهرام آقایف و محمدعلی اکبری که از سال ۱۲۸۴ به حزب پیوسته بودند، مأموریت داد تا فعالیت در میان کارگران ایرانی را آغاز کنند. آنان با کمک شخصیت‌هایی همچون درویشی و میرزا اسداله غفارزاده اردبیلی، با تشکیل «شورای کارگران مهاجر ایرانی»، به همکاری با شوراهای کارگری دیگر ملیت‌ها و بلشویک‌ها پرداختند و تا فوریه ۱۲۹۶ به تدریج اعتماد و همکاری کارگران ایرانی را کسب کردند و رهبری مبارزات صنفی و سیاسی آنان را به دست آوردند.

در سال ۱۲۹۶ کارگران ایرانی که در صنایع نفت باکو کار می‌کردند، گروه عدالت را به وجود آوردند. با شعله‌ورشدن انقلاب اکتبر، اعضای حزب اجتماعیون-عامیون ایران که هوادار بلشویک‌ها بودند، همراه با گروه عدالت در باکو گرد آمدند و طرح تشکیل فرقه سوسیال‌دموکرات عدالت را مطرح کردند.

تشکیل فرقه عدالت ایران

فرقه عدالت ایران در پنجم خرداد ۱۲۹۶، در مدرسه تمدن ایرانیان در محله صابونچی باکو تشکیل شد. اسداله غفارزاده، میرزا قوام حسینقلی‌اوغلی، محمود ممی‌زاده، بهرام آقایف، ملاباباهاشم‌زاده، رستم کریم‌زاده، محمدحسین صمدزاده، آقابابا یوسف‌زاده، محرم آقایف، قاسم مشهور به پیغمبر، مشهدی آقاوردی، سیف‌اله ابراهیم‌زاده، محمد فتح‌اله‌اوغلی، حسین‌خان طالب‌زاده، میرمقصود لطفی و محمدقلی علیخانوف به عضویت کمیته مرکزی، غفارزاده به ریاست (دبیر اول) و میرزا قوام ملاحسینقلی‌اوغلی به عنوان منشی (دبیر دوم) فرقه عدالت ایران انتخاب شدند. اسداله‌خان غفارزاده از اهالی اردبیل و فارغ‌التحصیل دارالفنون بود. او در جنگ‌های داخلی پس از انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵-۱۲۸۸) شرکت کرده بود و در انتقال مخفیانه روزنامه ایسکرای (۱۲۷۹) حزب سوسیال‌دموکرات روسیه به رهبری لنین از اروپا به قفقاز از طریق ایران نقش مهمی داشت. او از مهم‌ترین فعالان حزب اجتماعیون-عامیون و مبلغ برجسته مارکسیسم بود. پیش از تشکیل فرقه عدالت ایران، دو حزب ایرانی در باکو فعالیت می‌کردند؛ یکی شاخه «فرقه دموکرات ایران» در باکو که گرچه خود را حزب «کارگران، کسبه و رنجبران ایران» می‌خواند، ولی رهبران آن عمدتا از معلمان «مدرسه اتحاد ایرانیان» و بیشتر اعضای آن از کسبه، اصناف و دانش‌آموزان بودند و دومی «فرقه استقلال ایران و اتحاد اسلام» که حزب متمولین و تجار ایرانی ساکن باکو بود؛ اما فرقه عدالت ایران، یک حزب کارگری به تمام معنا بود که فعالیت‌هایش را در کارخانه‌ها، معادن و محله‌های کارگری باکو متمرکز کرد و به عضوگیری و سازماندهی کارگران ایران پرداخت. در مقطعی از سال ۱۲۹۷، فرقه عدالت ایران با حدود چهار هزار تا شش هزار عضو، به یکی از احزاب نیرومند سوسیال‌دموکرات در منطقه قفقاز تبدیل شد.

فرقه عدالت ایران با الهام از نظریه لنین که بر اهمیت و ضرورت روزنامه سراسری در توسعه و تحکیم تشکیلات و تبلیغ و ترویج نظرات و مواضع حزب سوسیال‌دموکرات تأکید می‌کرد، دست به انتشار هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی و ادبی «بیرق عدالت» به زبان‌های ترکی و فارسی زد. با توجه به اینکه فرقه تا دوسال‌ونیم پس از تشکیل، یعنی تا نوامبر آذر۱۲۹۸، دارای برنامه و نظام‌نامه مدون نبود، تنها از طریق مطالعه و بررسی پنج شماره بیرق عدالت (تیرماه تا مهرماه ۱۲۹۶) می‌توان به مواضع آن پی برد. بیرق عدالت، ایران را کشوری با اقتصاد زمینداری می‌دانست و معتقد بود جامعه ایران از طبقات خاندان قاجار، علما، مالکان، تجار، پیشه‌وران، کارگران و دهقانان تشکیل شده است. این ترکیب، طبقات اول تا سوم و اکثر تجار را عامل ویرانی و فلاکت مردم ایران معرفی می‌کرد و طبقه کارگر، دهقانان، پیشه‌وران و تجار خرده‌پا را نیروی مولد و انقلابی می‌دانست. بیرق عدالت، خواستار نظام جمهوری، اجرای اصلاحات ارضی، احقاق حقوق زنان، وحدت و اتحاد بین ایلات و قبایل ایران و ترقی فرهنگی و مدنی آنان، جلوگیری از محدودیت‌های حقوقی ملت‌های غیرمسلمان و خاتمه فوری جنگ جهانی اول بود. بیرق عدالت در آغاز پشتیبان انقلاب فوریه ۱۹۱۷ (۱۲۹۶) روسیه بود، اما با آشکارشدن سازش‌کاری منشویک‌ها و سوسیالیست‌های انقلابی(اس‌ارها)، به دفاع از انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ پرداخت. در ۲۵ آوریل ۱۹۱۸ (اردیبهشت۱۲۹۷)، «شورای کمیسرهای خلق» باکو به رهبری شائومیان، در باکو و بخش مهمی از حاکم‌نشین باکو قدرت را به دست گرفت. این حکومت، هم به دلیل الهام‌گرفتن از کمون پاریس (۱۲۵۰/۱۸۷۱) و هم به دلیل سرنوشت آن، به کمون باکو شهرت یافت. نریمان نریمانوف، از سازمان همت باکو و میرحسین وزیروف، از سازمان اکینچی (سازمان مسلمانان جناح چپ سوسیالیست‌های انقلابی) نیز عضو این شورا بودند. شورای کمیسرهای باکو، بانک‌ها را به نفع خلق مصادره و کشتیرانی تجاری و شیلات و در دوم ژوئن ۱۹۱۸ (خرداد۱۲۹۷)، صنعت نفت را ملی کرد.

فرقه عدالت و گسترش فعالیت در ایران

با پیروزی شورای کمیسرهای خلق باکو، نفوذ فرقه عدالت در باکو و در میان زحمتکشان ایران در قفقاز افزایش یافت. اسدالله غفارزاده و ۱۰ تا ۱۸ نفر از رهبران فرقه عدالت در تیرماه ۱۲۹۷ با دو هدف وارد آستارای روسیه شدند. پس از بازگشت اجباری گروه زیادی از رهبران به علت ممانعت‌های دولت ایران، در هفته نخست تیرماه همان سال غفارزاده و دو همراهش، ملک‌زاده و حسین‌زاده، وارد رشت شدند. دو هدف فرقه عدالت از این سفر عبارت بودند از ایجاد رابطه بین جنبش جنگل و فرقه عدالت و جلوگیری از نفوذ انگلستان به گیلان و قفقاز و تشکیل شعبه‌های فرقه در شهرهای بزرگ ایران. اما با توطئه‌ای مشترک، غفارزاده پیش از آنکه موفق به دیدار رهبران جنگل شود، در خیابانی در رشت مورد سوءقصد قرار گرفت و در زندان به قتل رسید. پس از غفارزاده، بهرام آقایف به‌عنوان رهبر فرقه عدالت انتخاب شد. بهرام جعفر اوغلو آقایف در سال ۱۲۶۲ در روستای شیخ ایرگول سراب در خانواده دهقانی مزدبگیر متولد شد. پس از درگذشت پدر، در سال ۱۲۷۸ به باکو رفت و در سال ۱۲۸۳ به عضویت حزب سوسیال‌دموکرات روسیه درآمد. او در مبارزات انقلاب مشروطیت ایران حضور داشت.

در نیمه اول جولای ۱۹۱۸ (تیرماه ۱۲۹۷) واحدهای نظامی ارتش عثمانی، باکوی انقلابی را محاصره کردند. در نشست وسیع ۲۵ جولای ۱۹۱۸ شورای کمیسرهای خلق باکو، جناح اکثریت (شامل داشناک‌ها، منشویک‌ها و جناح راست سوسیالیست‌های انقلابی) هراسان از تصرف باکو از سوی ارتش عثمانی، کمک‌گرفتن از قوای انگلیسی به فرماندهی ژنرال دنسترویل را تصویب کرد و حکومتی با عنوان «دیکتاتوری سنتروکاسپی» تشکیل داد. بلشویک‌ها که حاضر به پذیرش این امر نبودند، به‌طورکامل از شورا استعفا دادند. انگلیسی‌ها در دو مرحله در روزهای ۹ و ۱۷ آگوست ۱۹۱۸ در باکو پیاده شدند.

در ۱۱ آگوست ۱۹۱۸، سازمان همت باکو و فرقه عدالت تشکیل جلسه دادند و به دفاع از مواضع بلشویک‌ها پرداختند و اعلام کردند هرکس در مبارزه علیه قوای اشغالگر عثمانی و انگلیسی شرکت نکند، عضوی از همت و عدالت محسوب نمی‌شود. در دوره حکومت سنتروکاسپی (۲۶ آگوست تا ۱۵ سپتامبر۱۹۱۸/ شهریور۱۲۹۷) و به‌خصوص در دوره تسلط عثمانی‌ها، صد نفر از رهبران (نیمی از اعضای کمیته مرکزی) و اعضای فرقه عدالت کشته و ۹۵ نفر زندانی شدند.

در ۲۷ نوامبر ۱۹۱۸ (آبان ۱۲۹۷) واحدهای ارتش عثمانی باکو را تخلیه کردند و قوای انگلیس به فرماندهی ژنرال تامسن در باکو مستقر شد و دولت جمهوری آذربایجان (مساوات) را که یادگار تسلط عثمانی‌ها بر باکو بود، به رسمیت شناخت. این دولت تا ۲۷ آوریل ۱۹۲۰ (اردیبهشت ۱۲۹۹) که ارتش سرخ وارد باکو شد، بر این جمهوری حکومت می‌کرد. در این دوره فعالیت فرقه دمکرات و فرقه استقلال ایران و اتحاد اسلام، آزاد شد اما فعالیت کمیته باکوی حزب بلشویک و فرقه عدالت همچنان نیمه‌مخفی باقی ماند. با آنکه بسیاری از رهبران فرقه عدالت کشته شده بودند یا همراه ارتش سرخ در مناطقی از قفقاز و روسیه می‌جنگیدند اما پیوستن بخشی از کادرهای فرقه دموکرات از جمله سیف‌الله ابراهیم‌زاده، حسن ضیا، جعفر جوادزاده خلخالی (پیشه‌وری) و برخی از روشنفکران مبارز ایرانی ساکن باکو از جمله محمدنعمت بصیرحاجی‌زاده و همچنین دو نفر از رهبران ایرانی سازمان همت، داداش بنیادزاده و آقابابا یوسف‌زاده، به فرقه عدالت آن را بیش از پیش تقویت کرد. در کنفرانس عمومی فرقه عدالت در نیمه اول سال ۱۹۱۹(۱۲۹۸)، این افراد به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدند: داداش بنیادزاده، بهرام آقایف، ملاباباهاشم‌زاده، محمد آخوندزاده، یعقوب یوسف‌زاده، محمدنعمت بصیرحاجی‌زاده، سیف‌الله ابراهیم‌زاده، محمد فتح‌اله‌اوغلی، رستم کریم‌زاده، جهانگیر تقی‌یف، مشهدی حسین محمودزاده، محرم آقایف، کامران آقازاده، جعفر جوادزاده خلخالی و قاسم صمدزاده. فرقه عدالت ایران را حزب بلشویک روسیه و کمینترن، به‌عنوان حزب کمونیست ایران به رسمیت می‌شناختند. در نوامبر ۱۹۱۹ (آبان و آذر ۱۲۹۸)، کمیته مرکزی فرقه عدالت، برنامه و اساسنامه فرقه را تدوین و به دو زبان فارسی و ترکی منتشر کرد. در مقدمه برنامه آمده است که این فرقه اولین حزب ایران است که به دست کارگران و زحمتکشان برای بازپس‌گرفتن حقوق پایمال‌شده پرولتاریای ایران از غاصبان تشکیل شده است.

فرقه عدالت ایران از ۲۲ ژوئن ۱۹۱۹ (تیر ۱۲۹۸)، انتشار دومین روزنامه خود «حریت» را آغاز کرد. انتشار این روزنامه که هفته‌ای دو شماره از آن منتشر می‌شد تا هفتم ژوئن ۱۹۲۰ (خرداد ۱۲۹۹) ادامه یافت. روزنامه حریت از شماره اول تا ۱۸ زیر نظر هیئت تحریریه، از شماره ۱۹ تا شماره ۲۳ به سردبیری آقابابا یوسف‌زاده و از شماره ۲۴ به بعد به سردبیری جعفر جوادزاده (پیشه‌وری) به زبان ترکی و فارسی منتشر شد. حریت انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ (۱۲۹۶) و تشکیل حکومت شورایی در روسیه را واقعه‌ای دوران‌ساز می‌دانست که بر سراسر دنیا تأثیر گذاشته است و در همه جا اندیشه حاکمیت فقرا را بیدار کرده است. این روزنامه حکومت ایران را حکومت مالکان و خوانین اعلام و از دهقانان و کارگران می‌خواست که برای پایان‌دادن به اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی ایران، نظام پادشاهی را سرنگون و نظام شورایی را برقرار کنند. حریت خواستار اجرای اصلاحات ارضی و واگذاری امور به شوراهای دهقانی، تأمین ماشین‌های کشاورزی و مجهزکردن دهقانان به دانش کشاورزی نوین بود. این روزنامه به مبارزه گسترده علیه قرارداد ۱۹۱۹ (۱۲۹۸) ایران و انگلیس پرداخت و آن را خیانت بزرگ به خلق‌های ستمدیده خواند و در ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۹(شهریور ۱۲۹۸) تظاهرات گسترده‌ای را در مدرسه اتحاد ایرانیان باکو برپا کرد.

از بهار ۱۹۱۷ (۱۲۹۶)، فرقه عدالت دست به گسترش شعبه‌های خود زد. از اواخر سال ۱۹۱۷ (۱۲۹۶) تا اوایل ۱۹۱۸ (۱۲۹۷) سازمان‌های فرقه در داغستان، هشترخان، باطوم، ایروان، گنجه و... تشکیل شد. سازمان گنجه بزرگ‌ترین سازمان فرقه بود که ۴۷۰ عضو داشت و دبیر آن میرزا علی‌زاده نام داشت. علاوه بر اینها، فرقه در شهرهای اودسا، کیف، رستوف، ولادی قفقاز و حتی مسکو حوزه‌هایی را تشکیل داد. از بهار۱۹۱۷ (۱۲۹۶)، فرقه سازمان‌های خود را در داخل ایران تشکیل داد که تا زمستان ۱۹۲۰ (۱۲۹۹) ادامه داشت. سازمان آستارا اولین سازمان درون ایران بود که به رهبری محمد آخوندزاده تشکیل شد و از اعضای اولیه آن می‌توان از میرآقا هادی‌اف، رضاقلی شکر، میرزا نعمت حسین‌زاده، میرحبیب نقی‌زاده‌سرابی، میرزا صفر نوعی، میر ایوب شکیبا و جلیل ستارزاده نام برد. سازمان تبریز هم در همان سال ۱۹۱۷ (۱۲۹۶) با رهبری حسین قنادزاده و علی رضازاده و مهدی شفیع‌زاده تأسیس شد. سازمان رشت و انزلی با رهبری جبار عسگرزاده (با دو هزار عضو) در اوایل سال ۱۹۱۸ (۱۲۹۷)؛ شعبه اردبیل در اواخر ۱۹۱۹ (۱۲۹۸) به رهبری جلیل قاسموف، عبدالحسین کاظموف، میرزاحسین فارس، مولازاده و علی‌یف؛ شعبه زنجان در اواخر ۱۹۱۹ (۱۲۹۸) با هدایت سیدقلی حدادزاده؛ شعبه مشهد در اواخر ۱۹۱۹ (۱۲۹۸) به رهبری سیدمهدی خیاط تشکیل شدند. اسناد نشان می‌دهد که فرقه عدالت در مرند، خوی و سلماس، تهران، قزوین و مازندران هم سازمان‌های خود را برپا کرده بود.

کنفرانس کمیته ایالتی ترکستان فرقه عدالت ایران

در ماه دسامبر ۱۹۱۹ (آذر و دی ۱۲۹۸)، از ادغام کمیته باکوی حزب سوسیال‌دموکرات روسیه، سازمان همت و بخشی از کمیته باکوی فرقه عدالت، حزب کمونیست آذربایجان پدید آمد. نریمان نریمانف، رهبر پیشین حزب اجتماعیون-عامیون، به دبیر اولی حزب انتخاب شد. در اواخر ژانویه یا اوایل فوریه ۱۹۲۰ (دی و بهمن ۱۲۹۹) محمدقلی علیخانوف، محمد فتح‌اله‌اوغلی و محمدزاده، از اعضای کمیته مرکزی فرقه عدالت به تاشکند مرکز ترکستان اعزام شدند تا فعالیت فرقه را در میان صد هزار کارگر ایرانی گسترش دهند. در این زمان در ۵۲ ناحیه از شهرها و قشلاق‌های آسیای مرکزی سازمان‌های حزب عدالت وجود داشت. در این زمان کنفرانس کمیته ایالتی ترکستان فرقه عدالت به ریاست علیخانوف تشکیل شد. کنفرانس لنین را به ریاست افتخاری انتخاب کرد و پس از آن آواتیس میکائیلیان (احمد سلطان‌زاده) درباره «انقلاب اجتماعی ایران» علیخانوف درباره «تاکتیک فرقه»، مصطفی صبحی (رهبر کمونیست‌های ترکیه) درباره مسئله سازماندهی و حیدرخان عمواوغلی درباره اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران سخن گفتند. کنفرانس تأکید کرد که برخلاف کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، که طبقه کارگر آنها متشکل‌اند، احزاب کمونیست قادرند به صورت مستقل عمل کنند، حزب عدالت باید با توجه به شرایط ایران، تمام نیروهایی را که به خاطر بحران اقتصادی، در براندازی الیگارشی اربابی ذی‌نفع هستند، به سوی خود جلب کند. اقدام بسیار مهم کنفرانس که جایگاه آن را به حد کنگره حزبی ارتقا داد، تصویب برنامه و اساسنامه جدید فرقه عدالت ایران بود. کنفرانس سیاست فلاکت‌بار و خیانت‌کارانه دولت ایران را که پوششی برای پنهان‌ساختن اقدامات پلید امپریالیست‌های انگلیسی بود، محکوم کرد. کنفرانس کمیته ایالتی ترکستان فرقه عدالت زمینه‌ساز تحول فرقه عدالت به حزب جدید، یعنی حزب کمونیست ایران بود. در ۲۷ آوریل۱۹۲۰ (اردیبهشت ۱۲۹۹ ارتش سرخ وارد باکو شد، دولت دست‌نشانده انگلستان و عثمانی یعنی دولت مساوات سقوط کرد و حزب کمونیست آذربایجان قدرت را به دست گرفت. در پی این تحول، فرقه عدالت که فعالیت نیمه‌مخفی داشت، علنی شد و در هفته نخست ماه می۱۹۲۰ (اردیبهشت ۱۲۹۹) هیئت اجرائیه خود را تشکیل داد: میرجعفر جوادزاده دبیر اول، سیف‌اله ابراهیم‌زاده دبیر دوم، بهرام آقایف و نعمت بصیر حاجی‌زاده. میرجعفر جوادزاده، در سال ۱۲۷۲/ ۱۸۹۳ در روستای زاویه خلخال به دنیا آمد و در ۱۲سالگی با خانواده به باکو رفته، در آنجا تحصیل و سپس تدریس کرده بود. از ۹ تا ۲۰ آوریل ۱۹۲۰ (فروردین ۱۲۹۹) هیئت اجرائیه روندی را که با کنفرانس ترکستان آغاز شده بود، ادامه داد و با انتشار اطلاعیه‌هایی در روزنامه «کمونیست» باکو، اعلام کرد که وظیفه این هیئت تشکیل واحدهای حزبی در بین کارگران ایرانی مقیم باکو، انتقال دفتر مرکزی به ایران، جذب و سازماندهی کارگران و دهقانان و به‌دست‌گرفتن رهبری مبارزه آزادی‌بخش ملی و مبارزه با «طفیلی‌های» جامعه ایران است.

کنگره فرقه عدالت ایران

در اطلاعیه ۱۳ ماه می۱۹۲۰ (اردیبهشت ۱۲۹۹) هیئت اجرائیه اعلام کرد که در ۱۵ ژوئن (۲۴ خرداد) همین سال کنگره کمونیست‌های ایران تشکیل می‌شود. کمیته ایالتی ترکستان فرقه عدالت (سلطان‌زاده، علیخانوف و فتح‌اله اوغلی) در این زمینه با هیئت اجرائیه هماهنگی کامل داشت. درحالی‌که اعضای فرقه عدالت ایران در تدارک تشکیل کنگره و همکاری با جنبش جنگل بودند، از وظایف انترناسیونالیستی خود هم غافل نبودند. در ۲۵ آوریل ۱۹۲۰ (اردیبهشت ۱۲۹۹)، ارتش لهستان به روسیه شوروی یورش برد و شهر کی‌یف را اشغال کرد. در اعلامیه ۱۵ ماه می هیئت اجرائیه آمده است: «تمام کمونیست‌های ایرانی را که در روسیه زندگی می‌کنند، علیه یورشی که از جانب امپریالیسم دنیا بر ضد روسیه انقلابی از لهستان تدارک دیده شده، به مبارزه دعوت می‌کنیم».

در ۲۸ آوریل ۱۹۲۰/ ۸ اردیبهشت ۱۲۹۹ ارتش سرخ پس از شکست ارتش انگلستان و گاردهای سفید در آذربایجان و باکو، آنها را از انزلی هم بیرون راند. انزلی از سال ۱۲۹۷/ ۱۹۱۸ به پایگاه جنگی و انبار اسلحه ارتش انگلستان علیه روسیه شوروی تبدیل شده بود.

در ۲۴ ماه می ۱۹۲۰ (۳ خرداد ۱۲۹۹)، کنفرانس فرقه عدالت در شرایط خروج نیروهای انگلیسی و حضور محدود ارتش سرخ، در بندر انزلی برگزار شد. در این کنفرانس که ۴۸ نماینده شرکت داشتند، حیدرخان عمواوغلی گزارش سیاسی را قرائت کرد؛ اما در مسائل سازمانی تصمیمی اتخاذ نشد. سرانجام نخستین کنگره فرقه عدالت ایران در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ (اول تیرماه ۱۲۹۹) با حضور ۶۲ نماینده و ۹ میهمان در بندر انزلی به ریاست افتخاری و.ا.لنین و نریمان نریمانف گشایش یافت. کامران آقازاده کنگره را افتتاح کرد. هیئت‌رئیسه کنگره عبارت بودند از: کامران آقازاده، میرجعفر جوادزاده (پیشه‌وری)، محمد قلی علیخانوف و میربشیر قاسم‌زاده. کنگره نام فرقه عدالت ایران را به فرقه کمونیست ایران (عدالت) تغییر داد. بعدها واژه عدالت از این عنوان حذف شد. ترکیب طبقاتی اعضای فرقه عدالت ایران در زمان برگزاری کنگره عبارت بود از: ۶۰ درصد کارگر و کارآموز، ۳۰ درصد کارمند، ۱۷ درصد صنعتگر و پیشه‌ور و سه درصد روشنفکر و سرباز. کنگره نخست آواتیس میکائیلیان (احمد سلطان‌زاده) را به دبیر اولی برگزید؛ اما در مهرماه همان سال، در مخالفت با برنامه تندروانه سلطان‌زاده، حیدرخان عمواوغلو را جایگزین او کرد.

منابع:

۱. فرقه عدالت ایران از جنوب قفقاز تا شمال خراسان ۱۹۲۰-۱۹۱۷/ محمدحسین خسروپناه، و الیور باست/ نشر پردیس دانش/ ۱۳۹۲

۲. ایران میان دو انقلاب/ یرواند آبراهامیان/ ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی/ نشر نی/ ۱۳۷۷

۳. پیدایش حزب کمونیست ایران/ تقی شاهین (ابراهیموف)/ ترجمه ر. رادنیا/ نشر گونش/ ۱۳۶۰

مرور

سیمرغ انقلاب

• حیدرخان عمواوغلی، انقلابی ایرانی و از فعالان مؤثر جنبش مشروطه و از رهبران حزب کمونیست ایران بود. او به خاطر تشکیل کمیته‌های ترور می‌کوشید تا هیچ ردپایی در هیچ حادثه‌ای از خود به جای ننهد، بلکه عمدا بر زندگی گذشته خویش نیز پرده‌ای از ابهام و فراموشی می‌کشید تا مبادا با گذشته‌ها و طرز تفکر او، دشمنان و مخالفانش را رهنمون شود. به همین جهت از آغاز زندگی حیدر عمواوغلی، دوران کودکی و نوجوانی او -مخصوصا قبل از مراجعت به ایران- کمتر اطلاعی در دست است. اما درباره دوران مبارزه و چند اثر تاکنون به نگارش درآمده است. یکی از معروف‌ترین آنها اثر اسماعیل رایین است که به همت انتشارات جاویدان منتشر شده است. حیدر عمواوغلی در سلماس آذربایجان دیده به دنیا گشوده و در قفقاز پرورش یافت. البته در مورد محل تولد او اختلاف است. برخی او را اهل قفقاز و برخی او را از مردم ارومیه دانسته‌اند. پدرش علی‌اکبر افشار، طبیب بود. مشهدی علی‌اکبر را مردم «عمو» خطاب می‌کردند. به همین خاطر حیدرخان به عمواوغلی (به ترکی یعنی پسرعمو) شهرت یافت. او مردی دلسوز و مهربان بود و در میان مردم نفوذ بسیاری داشت. وی در سال ۱۲۶۵ ه.ش (۱۸۸۶م) به علت فشارهای مأموران دولتی همراه خانواده‌اش در شهر الکساندرپل (لنیناکان) در ارمنستان مقیم شد. دانشگاه مهندسی تفلیس را در رشته برق تمام کرد و هنوز ارتجاع سیاه ناصرالدین‌شاه بر ایران حکومت می‌کرد که به وطن بازگشت و در کارخانه برق مشهد مشغول کار شد. ارزش نظری و عملی تحصیلات و کار او باعث شد که پس از یک سال وی را به تصدی کارخانه برق امین‌الضرب تهران گماشتند. از همان اوان به سائقه افکار نوآزادی‌خواهانه‌ای که در قفقاز کسب